

خبر

با انتخاب هیئت‌مدیره جدید و به اتفاق آرا ابقای علیرضا بختیاری در ریاست انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی استان تهران



● **شرق:** پس از برگزاری مجمع عمومی انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی استان تهران و انتخاب اعضای جدید هیئت‌مدیره، علیرضا بختیاری در اولین جلسه به اتفاق آرا در ریاست این انجمن ابقا شد. همچنین محمدعلی وکیلی، نعمت‌اله شهبازی و اصغر نعمتی به اتفاق آرا به ترتیب به‌عنوان نایب‌رئیس، دبیر و خزانه‌دار انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی استان تهران انتخاب شدند. بر اساس این گزارش، در مجمع عمومی این انجمن که با حضور اکثریت اعضا در روز شنبه مورخ چهارم دی‌ماه جاری در محل انجمن برگزار شد، محمدعلی وکیلی، نعمت‌اله شهبازی، علیرضا بختیاری، مصطفی کواکبیان، اصغر نعمتی، منصور مظفری و علی قره‌داغلی به‌عنوان هفت عضو اصلی هیئت‌مدیره و اسرافیل عبادتی، سیدامیرحسین رضوی و علی یوسفپور به‌عنوان اعضای علی‌البدل هیئت‌مدیره این انجمن برای دو سال انتخاب شدند. همچنین در این مجمع حسین یحیایی و علی مزینانی به‌عنوان بازرسان اصلی و ناصر قدیری به‌عنوان بازرس علی‌البدل انجمن مذکور انتخاب شدند. این گزارش حاکی است در مجمع مذکور، گزارش هیئت‌مدیره و صورت‌های مالی سال‌های ۹۸ و ۹۹ انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی استان تهران از سوی رئیس انجمن، خزانه‌دار و بازرس قانونی قرائت و با اکثریت آرا تصویب شد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت:

حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نوعی اصلاح نظام یارانه‌ای در کشور است

● **خانه ملت:** وزیر صنعت، معدن و تجارت، ضمن تاکید بر اینکه موضوعی به نام حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نداریم و قرار است به نوعی اصلاح نظام یارانه‌ای انجام شود، گفت: یارانه دارو حذف نخواهد شد؛ بلکه به‌تدریج به سمتی می‌رود که این یارانه از طریق شرکت‌های بیمه به مردم پرداخت شود. سیدرضا فاطمی‌امین، وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به برخی مباحث در کشور درخصوص حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، گفت: ما موضوعی به نام حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در کشور نداریم؛ بلکه قرار است یارانه‌ای که اکنون به نهاده‌های دامی، تخم‌مرغ، لبنیات و... تخصیص پیدا می‌کند، به مصرف‌کننده پرداخت شود. او ادامه داد: در حقیقت قرار است نوعی اصلاح نظام یارانه‌ای در کشور انجام شود، دولت در این اصلاحیه به جای پرداخت یارانه به صورت غیرمستقیم به نهاده‌ها، آن را به صورت مستقیم به مردم پرداخت می‌کند. فاطمی‌امین همچنین درخصوص گمانه‌زنی‌ها درمورد قطع یارانه تأمین دارو در کشور، اظهار کرد: یارانه دارو حذف نخواهد شد؛ بلکه به‌تدریج به سمتی پیش خواهد رفت که این یارانه از طریق شرکت‌های بیمه به مردم پرداخت شود و این موضوع یعنی کم‌اکان حمایتی که باید از بیماران به‌ویژه اقشار خاص انجام شود، ادامه خواهد داشت. وزیر صمت تاکید کرد: این موضوع به معنای تغییر در نحوه پرداخت یارانه دارو است و به نوعی یارانه به جای پرداخت به دارو، به مصرف‌کننده نهایی تخصیص پیدا می‌کند. او همچنین به پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا اکنون زمان مناسبی برای اجرای اصلاح نظام یارانه‌ای در کشور است، گفت: دولت دو انتخاب پیش‌رو دارد، ابتدا اینکه روند موجود یعنی تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی را ادامه دهد و دیگر آنکه روند اصلاح را در پیش بگیرد. فاطمی‌امین اظهار کرد: وضع موجود اقتصادی قابل ادامه‌دادن نیست؛ زیرا مشکلاتی را در بحث تأمین بودجه و ایجاد کسری به وجود آورده و خواهد آورد؛ بنابراین روند کنونی باید اصلاح شود؛ اما قطعا اصلاح این فرایند با چالش‌هایی مواجه خواهد شد که آسیب‌های بسیار کمتری نسبت به ادامه وضع موجود را به همراه خواهد داشت. او ادامه داد: دولت پیش‌بینی‌های لازم را درمورد اصلاح یارانه ارز ۴۲۰۰ تومانی در کشور انجام داده تا این حد که اگر اصلاح قیمت نهاده‌های دامی اتفاق بیفتد، نقدینگی مرغداران‌ها، دامداری‌ها و عوامل تولید با مشکل مواجه نخواهد شد.

فاطمی‌امین خطاب به مردم اظهار کرد: مردم نگران نباشند و با ما همراهی کنند؛ زیرا دولت پیش‌بینی‌های لازم را به طور کامل انجام داده و حتی نحوه پرداخت مبالغ نقدی و اقشار هدف را نیز مشخص کرده است. این طرح به نوعی اجرایی خواهد شد که عمده مردم از این اقدام نفع ببرند.

اقتصاد

چرا با طرح بنزین مخالفم

سید غلامحسین حسنتاش



عکس: علی شیرین‌بیز

کشورهای توسعه‌یافته بلکه حتی در کشورهای درحال‌توسعه ارائه دهند؟

۶- آیا تأثیر این اقدام و آثار قیمتی آن بر تقاضای سایر سوخت‌های تاحدودی جایگزین مثل گازوئیل و سی‌ان جی و ال‌پی‌جی مطالعه شده یا تأثیر آن بر تورم و تولید ناخالص ملی مطالعه شده یا قرار است مثل همیشه با آزمون‌وخطا جلو برویم که در امور قابل‌مطالعه و قابل پیش‌بینی به‌هیچ‌وجه جایز نیست. در پایان بد نیست اشاره کنم که شاید آنچه کمتر به آن توجه می‌شود، این است که اقداماتی از این دست می‌رود که ماشین اقتصاد ایران را به یک هیولای دهشتناک بی‌قواره تبدیل کند کم‌اینکه امروز هنوز مکانیسم‌های یارانه‌ای، مالی و بودجه‌ای اقدامات دولت احمدی‌نژاد در به‌اصطلاح شفاف‌سازی و اصلاح یارانه‌ها در سال‌های ۸۹ و ۹۰ مبهم و پیچیده است و نه‌تنها یارانه‌ها شفاف نشد که بخش بزرگی از اقتصاد و نظام بودجه‌ریزی غیرشفاف‌تر شد. شاید مثالی از هیولاسازی یک اتومبیل به‌عنوان یک ماشین فیزیکی تصویر موردنظر را روشن‌تر کند، فرض کنید واترپمپ یک اتومبیل خراب است و نتیجاش داغ‌کردن و جوش آوردن ماشین است و به‌جای یک مکانیک متبحر، نابغه‌ای ا پیدا می‌شود و به‌جای تعمیر واترپمپ پیشنهاد می‌دهد که با طراحی یک شاسی جلوی اتومبیل چند کولر را نصب کنند که موتور را خنک کند و برای تأمین برق این کولرها هم ژنراتوری در صندوق عقب قرار گیرد و برای تأمین سوخت آن ژنراتور هم باک اضافه‌ای طراحی شود و الوی آخر، تجسم کنید که چه هیولای بی‌قواره‌ای ساخته خواهد شد و آخر سر هم با اصولا راه نخواهد رفت یا با سرعت لاک‌پشتی راه می‌رود و قدم‌به‌قدم نیاز به تعمیر دارد. بسیاری از اقداماتی که در اقتصاد شده و می‌شود از این دست است که هیولوارگی آن فقط نزد اقتصاددانان متخصص علوم انسانی محسوس و ملموس است.

امیدوارم تصمیم‌گیران از تجربیات گذشته بیاموزند و اقتصاد کشور را

بیش‌ازاین در مهلکه قرار ندهند.

سیاست‌های دریافت عوارض و مالیات بدون ایجاد نابسامانی و بی‌ثباتی در اقتصاد آن را اجرایی کرد.

۳- این طرح مبتنی بر تعاریف درستی از واژگان اقتصادی و از جمله یارانه نیست.

بارها گفته‌ام و نوشته‌ام که اینکه ما اقتصاد را در لوپ تورم و افزایش نرخ ارز بیندازیم و بعد قیمت فوب خلیج فارس بنزین را با نرخ جهش‌یافته دلار، به ریال محاسبه کنیم و مایه‌التفاوت آن با قیمت داخلی را یارانه و یارانه پنهان و امثال آن نام‌گذاری کنیم و بعد با بهانه‌هایی که بیش از ۳۰ سال است دور و تسلسل‌وار تکرار می‌شود، بخواهیم قیمت را افزایش دهیم و این یارانه ادعایی را حذف کرده یا به خیال خودمان سامان دهیم، مبنای درستی ندارد و تاکنون نتیجه‌ای جز بی‌ثباتی اقتصاد و غرق‌کردن اقتصاد در گرداب رکود-تورم و باتلاق نداشته است و نتیجه آن فریه‌ترشدن هرچه‌بیشتر رانت‌خواران و غیرمولدها و تضعیف روزافزون مولدها بوده است.

اگر قرار است قیمت بنزین با قیمت‌های بین‌المللی تعین شود، چرا نباید قیمت بقیه چیزها و از جمله نرخ دستمزد و قیمت اتومبیل و... بر این اساس تعیین شود. آیا تطبیق هزینه مردم با نرخ‌های بین‌المللی بدون تطبیق درآمد آنها با این نرخ‌ها عامل مهاجرت خصوصا برای نخبگان و افراد کارآمد نخواهد بود؟

۴- امکان اجرای درست و سالم چنین اقدام اشتباهی نزدیک به غیرممکن به نظر می‌رسد. این سهمیه‌های بنزین چگونه باید مبادله شود؟ طراحی یک سامانه مبادله شفاف برای این‌کار که جلوی فساد و رانت‌خواری را بگیرد، چقدر هزینه دارد. تفاوت واقعی این اقدام با طرح مخرب یارانه‌ای نقدی احمدی‌نژادی چیست؟ آیا این بسیار پیچیده‌تر و مخرب‌تر از آن نخواهد بود.

۵- کجای دنیا چنین اقدامی سابقه دارد؟ آیا عرضه‌کنندگان این پیشنهاد می‌توانند حتی یک نمونه از اجرای چنین اقدامی نه در

گفته شده است که دولت برنامه‌ای را در نظر دارد که به هر شهروند ایرانی بر اساس کارت ملی ماهانه ۱۵ لیتر سهمیه بنزین بدهد تا آنها که بنزین نیاز ندارند یا کمتر از این مقدار نیاز دارند، سهمیه خود را به آنها که نیاز دارند، به هر قیمتی بفرشند. بهانه این کار هم عدالت اجتماعی ذکر شده است. فرض گرفته شده که دارندگان اتومبیل به قول آقایان از یک یارانه پنهان برخوردار هستند که آنها که اتومبیل ندارند از آن برخوردار نیستند. اما نگارنده با این طرح به‌شدت مخالفم و دلایل مخالفتم فهرست‌وار به شرح زیر است:

۱- ۱۵ لیتر بنزین- در ماه برای هر کارت ملی می‌شود نیم‌لیتر در روز برای هر شهروند. اگر جمعیت را ۸۵ میلیون هم فرض بگیریم می‌شود ۴۲۰۵ میلیون لیتر در روز درحالی‌که متوسط مصرف بنزین الان فکر می‌کنم بیش از ۹۰ میلیون لیتر در روز باشد. به فرض اینکه این کار بسیار غلط اجرایی شود، آن‌وقت آنها که بنزین لازم ندارند، لابد می‌خواهند بنزینشان را لیتری هرچقدر که می‌توانند به بقیه بفروشند؛ لیتری ۱۰ هزار یا ۱۵ هزار تومان یا بیشتر، آن‌وقت درواقع به دست خود مردم بنزین گران می‌شود؛ درحالی‌که دولت نصف نیاز روزانه کشور را تخصیص داده است و لابد می‌خواهد بقیه را به بالاترین قیمتی که در بازار تعیین می‌شود، به فروش برساند. آن‌وقت همان کسی که به فرض بابت بنزین اضافه (اگر دلال‌ها و واسطه‌ها بگذارند) چیزی گیرش آمده، باید چندین برابر آن را بابت تورم هزینه کند. اینجا به نظر من کلک‌هایی است که می‌خواهند به مردم بزنند و معلوم نیست این طرح‌هایی که هیچ سابقه‌ای در هیچ کجای دنیا ندارد، از کجا درمی‌آید.

ممکن است ادعا شود که دولت می‌خواهد با این روش تقاضا و مصرف را به ۴۲۰۵ میلیون لیتر یعنی کمتر از یک‌دوم تقاضای فعلی تقلیل داده و بقیه تولید داخلی را صادر کند اما متخصصین اقتصادی می‌دانند و مطالعات هم نشان داده است که حامل‌های انرژی و از جمله بنزین کالاهای کم‌کشش هستند و بنابراین اگر قرار باشد تقاضای بنزین به کمتر از نصف تقلیل پیدا کند، قیمت آن باید بیش از ۱۰برابر شود و در آن صورت صادرات آن مقررن به صرفه نخواهد بود. خصوصا که در شرایط فعلی و با وجود تحریم‌ها صادرات به قیمت متناسب هم مقدور و ممکن نیست. علاوه بر این در ساختار تورمی اقتصاد ایران سطح عمومی قیمت‌ها با یک وقفه زمانی کوتاه افزایش یافته و مجددا تقاضا افزایش پیدا می‌کند و تجربه دفعات قبلی افزایش قیمت نیز این واقعیت را تأیید می‌کند.

۲- این طرح مبتنی بر مطالعات درست و دقیقی نیست. در گذشته در این‌گونه مطالعات مشخص می‌شد و جدول ارائه می‌شد که هریک از مصرف‌کنندگان بنزین چه سهمی در مصرف دارند. چقدر مصرف کاملا خصوصی و شخصی است؟ چقدر مصرف وانت‌ها و بخش حمل‌ونقل بار است؟ چقدر مصرف تاکسی‌ها، خطی‌ها، کرایه‌ای‌ها، اسنپ‌ها و درواقع حمل‌ونقل عمومی است؟ با ارائه چنین جدولی است که مشخص می‌شود که آیا واقعا کسی هست که مطلقا از یارانه بنزین (طبق تعریف آقایان) بهره‌مند نباشد؟

آنچه مسلم است این طرح منجر به افزایش قیمت بنزین می‌شود و تجربه نشان داده است که افزایش قیمت بنزین آثار تورمی دارد و باید مطالعات جامعی انجام شده باشد که نشان دهد آثار تورمی این طرح چقدر است. تجربه نشان داده که آثار تورمی چنین طرح‌هایی چندین‌برابر آثار توزیعی آن است و نهایتا بیش از همه به ضرر اقشاری که ادعای حمایت از آنها وجود دارد، تمام می‌شود.

اگر هدف واقعا عدالت اجتماعی است، می‌توان از طریق

به عبارت دیگر، برای هر برنامه مشخص ذیل

دستگاه‌های اجرایی اصلی، هدف و اعتباری لحاظ شده است که درنهایت تخصیص‌ها نیز بر اساس عملکرد آن انجام خواهد گرفت. بنابراین، اختصاص بودجه متناسب با عملیات و خدماتی که دستگاه‌های اجرایی به عهده دارند، انجام می‌گیرد، همان‌طوری‌که نویسنده محترم نیز بدان اشاره کرده است. البته باید توجه داشت که حدود ۲۰ درصد منابع برای تحقق اهداف رشد اقتصادی و اشتغال مذکور، مربوط به بخش دولتی است.

نکته دیگر این است که ابتدا منابع بودجه عمومی برآورد و پیش‌بینی می‌شود و سپس بر اساس آن مصارف بودجه عمومی تعیین می‌گردد و از این جهت است که مصارف عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ با رشد حداکثر هفت درصد کنترل شده است و اگر به قیمت واقعی حساب کنیم حتی مصارف دولت انتضایی دیده شده است. لذا، موضوعی را که نویسنده مطلب اظهار داشته‌اند درست نمی‌باشد.

درخصوص چاله‌ها و مخاطرات لایحه بودجه ۱۴۰۱، توجه نگارنده محترم را به مطالب زیر جلب می‌کنیم:

-مصارف عمومی بودجه در لایحه بودجه ۱۴۰۱ نسبت به مصوبه قانون بودجه ۱۴۰۰، هفت درصد، اعتبارات هزینه‌ای پنج درصد و اعتبارات متکمل دارایی‌های سرمایه‌ای ۴۳ درصد رشد کرده است. لذا، موضوعی را که نویسنده مطلب اظهار داشته‌اند درست نمی‌باشد.

درخصوص تأمین مالی منابع بودجه علاوه بر درآمدهای عمومی و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، رویکرد دولت در سال ۱۴۰۱، کاهش استفاده از ظرفیت انتشار اوراق مالی اسلامی می‌باشد. در بند «ب» تبصره (۵) لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ سقف انتشار انواع اوراق مالی اسلامی از جمله اسناد خزانه اسلامی برای تأمین مالی مصارف دولت به ۸۶۰ هزار میلیارد ریال محدود شده است. درمجموع منابع حاصل از فروش و

واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی مطابق جدول شماره (۴) لایحه مزبور با عنوان خلاصه واگذاری و تملک دارایی‌های مالی در سال ۱۴۰۱، به ۸۸۰ هزار میلیارد ریال محدود شده است.

-از سوی دیگر در لایحه بودجه ۱۴۰۱ در بخش منابع هیچ استقراضی از بانک مرکزی صورت نمی‌گیرد و از این طریق پایه پولی افزایش نمی‌یابد و در نتیجه پیش‌بینی می‌شود که منجر به افزایش تورم نخواهد شد.

-درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۵۲۶۸ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است به‌طوری‌که نسبت به رقم مصوب سال گذشته، ۶۲ درصد رشد داشته است که نگارنده به اشتباه ۷۷ درصد ذکر کرده است. این درآمد‌ها عمدتا از رشد سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ رشد اقتصادی اثر می‌پذیرد. لذا رقم لایحه بر اساس نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی و سایر عوامل مؤثر بر درآمد‌های مالیاتی نظیر اجرای قوانین جدید مالیاتی (گسترش پایه‌های مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی)، کنترل بیماری کرونا و... لحاظ شده است که با احتمال بالایی محقق خواهد شد.

-منابع حاصل از فروش نفت و میعانات در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۳۸۱۸ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۰ بیش از ۹ درصد افزایش دارد و لیکن سهم این درآمد‌ها از منابع، ۲۵۴ درصد است که نسبت به قانون بودجه ۱۴۰۰ حدود ۱۰۹ واحد درصد کاهش یافته است. این کاهش وابستگی به درآمد‌های نفتی مطلوب ارزیابی می‌شود.

-منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی که عمدتا از طریق فروش اوراق اسلامی، واگذاری شرکت‌های دولتی و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی تأمین می‌شود در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۲۹۹۱ هزار میلیارد ریال است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد کمتر پیش‌بینی شده است. سهم این منبع از دریافت‌ها حدود ۱۹۰۹ درصد است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۰، حدود ۱۳۰۶ واحد

اقتصاد

پاسخ سازمان برنامه و بودجه به یک یادداشت

کلان کشور هم‌خوانی ندارد. به‌عبارت‌دیگر، کشور به رشد اقتصادی بالا به‌منظور ایجاد اشتغال پایدار به‌ویژه برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و به‌ویژه شاخص‌های رفاهی کشور و جریان عقب‌ماندگی‌ها نیاز دارد.

-سازمان برنامه‌وبودجه کشور با اطلاع از شرایط حال‌حاضر اقتصاد کلان و با پشتوانه مبنای نظری، در طراحی لایحه بودجه سال آتی رشد اقتصادی در سطح درصد را مد نظر قرار داده است. به‌منظور به‌فعلیت‌رسیدن تحقق رشد اقتصادی هشت‌درصدی فعال‌سازی ظرفیت‌های کشور در سطح کلان و بخشی استان‌های کشور را مد نظر قرار داده و مقرر کرده است آنها سهمی از رشد اقتصادی هشت‌درصدی داشته باشند. برای تأمین رشد اقتصادی هشت‌درصدی باید بهره‌وری کل اقتصاد به میزان ۳۰۵ درصد، تعداد شاغلان به میزان ۴۰۴۸ درصد و موجودی سرمایه بالغ بر ۴۰۵ درصد رشد یابند و سرمایه‌گذاری به قیمت جاری به میزان ۳۴۶۱۰ هزار میلیارد ریال برسد.

بدین‌ترتیب سازمان برنامه‌وبودجه به‌درستی بر ارتقای رشد اقتصادی برای تأمین نیازهای کشور تاکید دارد و به‌صورت شفاف الزام‌های سیاسی و کمی آن را نیز اعلام کرده است. به‌عبارت‌دیگر این سازمان به لحاظ کارشناسی تاکید دارد که کشور به رشد اقتصادی حداقل هشت‌درصدی نیاز دارد و با توجه به عدم توان تأمین منابع برای رشد اقتصادی تاکید بر تغییر ریل سیاست‌های مالی به‌سوی ارتقای بهره‌وری منابع مالی و به‌میدان‌آوردن منابع مالی دیگر بخش‌ها از جمله بخش عمومی غیردولتی از طریق رفع موانع نهادی و قانونی تشویق بخش خصوصی و نهادهای عمومی، تأمین منابع از محل سایر روش‌ها از جمله صندوق پیشرفت و عدالت و تهاات نفت می‌باشد.

-همچنین نگارنده گفته‌اند که سه نوع نرخ ارز محاسباتی در لایحه بودجه ۱۴۰۱ وجود دارد. این در حالی است که یک نرخ ارز محاسباتی (ETS) در لایحه بودجه برای تمامی محاسبات در نظر گرفته شده است.»

خبر

ریشه ماجرای «میوه‌های سمی»

● **شرق:** ماجرای پس‌فرستادن میوه و محصولات کشاورزی ایران حالا تبدیل به سریال شده و در هفته‌ها و ماه‌های گذشته بارها تکرار شده است. در این مدت روسیه فلفل‌دلمه‌ای ایران را پس فرستاد، ازبکستان سیب‌زمینی را، کشورهای حاشیه خلیج فارس هندوانه را و به‌تازگی نیز هند حاضر به پذیرش کیوی ایران نشد. این پس‌زدن میوه و محصولات کشاورزی تولید ایران، نگرانی جامعه و افکار عمومی را هم به همراه داشته و مردم نگران هستند که مبادا تمام محصولات کشاورزی میزان سلامت لازم را نداشته باشند. اما ماجرای این پس‌فرستادن میوه‌های ایرانی چیست و ریشه موضوع به چه برمی‌گردد؟

همین دو، سه هفته پیش و در واکنش به پس‌فرستادن میوه‌های ایرانی، رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع تبدیلی اتاق تهران به میزان استفاده از سم در تولید این محصولات اشاره کرد. کاوه زرگران دراین‌باره گفته بود: «در کشور ما محصولات کشاورزی بدون آنکه از نظر میزان آلایندهی مورد آزمایش قرار بگیرند، به بازار عرضه می‌شوند. بنابراین زمانی که محصولی مرجوع می‌شود، درمی‌یابیم که در استفاده از کود یا آفت‌کش‌ها زیاده‌روی شده و همین مسئله سبب می‌شود این کالاهای از مقاصد صادراتی عودت داده شود. البته محصولات صادراتی به روسیه از اقصی نقاط جهان با این مسئله مواجه هستند؛ به این دلیل که این محصولات به‌شدت کنترل شده و قوانین سخت‌گیرانه‌ای بر آنها اعمال می‌شود». مشابه این سخنان را البته کارشناسان دیگری نیز مطرح کردند و درباره شیوه و میزان استفاده از آفت‌کش‌ها هشدار دادند که کار به مجلس هم کشیده شد و یکی از نمایندگان خواستار این شد که درباره برگشت محصولات کشاورزی کشور تحقیق و تفحص شود. اما این سم‌ها از کجا آمدند و به‌طور کلی در سال چقدر سم و آفت‌کش وارد ایران می‌شود؟ گذری بر آمار گمرک ایران نشان می‌دهد در همین ایام در سال قبل، صادرات محصولات کشاورزی ۲۵۰۹ درصد نسبت به ۱۰ماهه سال ۱۳۹۸ افزایش داشت و به بیش از هفت میلیون تن به ارزش ۴۰۹ میلیارد دلار رسیده بود که خود یک رکورد به شمار می‌رفت و این روند رو به رشد ادامه داشت. همچنین در آخرین آمارها، در چهار ماه اول امسال، بیش از ۲۰۵ میلیون تن محصولات کشاورزی با ارزش بیش از ۱۰۷ میلیارد دلار صادر شده بود که ۹رصدی داشته است. بااین‌حال، در دو ماه اخیر برگشت محصولات کشاورزی ابعاد نگران‌کننده‌ای با خود به همراه داشته که ازجمله آن تحت تأثیر قراردادن بازارهای هدف محصولات کشاورزی است. بر اساس گزارش ایسنا از آمار رسمی گمرک، سموم و کودهای شیمیایی مصرفی ایران در محصولات کشاورزی و فراتر از حد استاندارد کشورهای مقصد، این برگشت محصولات مرکز توجه بوده است. این را که سالانه مصرف سموم و کودهای شیمیایی در کشاورزی چقدر و نحوه نظارت بر مصرف آن چگونه است، باید وزارت جهاد کشاورزی پاسخ دهد، ولی بررسی آمار تجارت خارجی نشان می‌دهد از ابتدای اسال ۲۰ تا آذرماه، میزان واردات کالاهای اساسی ۲۱۰۸ میلیون تن به ارزش ۱۳۰۳ میلیارد دلار در ۲۵ گروه کالایی بوده است که سهم سموم و کودهای شیمیایی از آن در مجموع به بیش از ۱۷۰ میلیون دلار می‌رسد؛ این ارقام با زار تن‌نمایی وارد ایران می‌شود. در دوره مورد بررسی، ۱۵۰ هزار تن کود شیمیایی به ارزش حدود ۱۰۰۴ میلیون دلار وارد شده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، ۲۸ درصد از نظر وزنی و ۱۴ درصد ارزش کاهش دارد که دلیل این کاهش مشخص نیست. در حدود ۹ماهه سال قبل ۲۰۶۶ هزار تن به ارزش ۱۲۱۰۳ میلیون دلار کود شیمیایی از گمرک ترخیص شده بود. اما برخلاف کودهای شیمیایی که واردات آن کاهش داشته، سموم تکنیکال شیمیایی با افزایش همراه بوده و ۷۰۷ هزار تن به ارزش ۶۸۰۴ میلیون تن واردات داشته است؛ درحالی‌که از ابتدا تا ۲۰ آذرماه سال گذشته، واردات این کالا ۵۰۲ هزار تن به ارزش ۵۵۰۵ میلیون دلار ثبت شده بود. بر این اساس، واردات سموم تکنیکال شیمیایی در سال جاری ۴۷ درصد از نظر وزنی و ۲۳ درصد ارزش رشد داشته است. این آمار بیانگر کودها و سمومی است که در سال جاری از گمرک ترخیص شده و محال نیست در حال حاضر چه میزان از این ارقام در انبارهای گمرک موجود است. به‌هرحال اگر بخشی از مشکل برگشت صادرات محصولات کشاورزی ایران به سموم و کودهای مصرفی و میزان آن برگردد، به‌طور حتم در کنار سموم تولید داخل، اقلام وارداتی حائز اهمیت خواهد بود و جای بررسی و البته پاسخ‌گویی از سوی مسئولان مربوطه خواهد داشت که از زمان تهیه آن تا رسیدن به ایران، ترخیص و مصرف چه استانداردها و فرایندهای طی می‌کند؛ این در حالی است که تبعات آن می‌تواند محصولات مصرفی داخل را نیز درگیر کند.